

کارگران لاستیک البرز، بن بست مبارزه و راه برون رفت

دوشنبه پانزدهم مهر ۱۳۸۷

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)



صدها کارگر کارخانه لاستیک سازی البرز، امروز یکشنبه ۱۵ ماه مهر ۸۷، در ادامه مبارزات طولانی خویش در خیابان آزادی در مقابل «وزارت کار» اجتماع کردند. آنان بر روی پلاکاردهایی که در دست داشتند خواستار پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه و واگذاری شرکت به دولت بودند. خواست خلع ید از صاحبان فعلی کارخانه و واگذاری این مؤسسه به نهادهای دولتی چندی است که در میان کارگران زمزمه می شود و ظاهراً در مورد آن توافق جمعی وجود دارد. این که کارگران به دنبال ماه ها مبارزه تصمیم گرفته اند که راه خروج از بن بست را در قالب این پیشنهاد طرح کنند در جای خود دارای اهمیت است. با این همه، باید قبول کرد که سئوالات و ابهامات فراوانی نیز در اطراف آن وجود دارد که باید درباره شان بحث کرد و به دنبال پاسخ بود. اولین پرسش این است که نفس انتقال مالکیت یا مسئولیت اداره کارخانه از سرمایه گذار خصوصی به نهادهای دولتی تا چه حد و چگونه مشکلات کارگران را حل خواهد کرد؟ دوستان کارگر ما نتیجه بخش بودن و چاره ساز بودن این راه حل را چگونه توضیح می دهند و برآوردها و نتیجه گیری های آنان به کدام تجارب عینی و دستاوردهای مطمئن قبلی اتکا دارد؟ هم اکنون شرکت های زیادی هستند که در مالکیت نهادهای دولتی قرار دارند و توسط این نهادها اداره می شوند اما مشکلات کارگران لاستیک البرز بعینه و با همین ابعاد دامنگیر کارگران آن واحدها هم هست. نیشکر هفت تپه، لوله سازی خوزستان، بسیاری از مؤسسات تحت کنترل و تملک شهرداری ها، کاغذسازی پارس، نساجی کردستان و برخی کارخانه های دیگر مصادیق بارز این گفته ما هستند. رجوع به آنچه در طول سال گذشته و امسال در این واحدها جریان داشته است حداقل پاره ای تردیدهای جدی را در مورد موفق بودن این پیشنهاد در ذهن ما به وجود می آورد. یک چیز بدیهی است. مشکل کارخانه لاستیک البرز و تمامی ۲۰۰ کارخانه تعطیل شده یا در حال تعطیل دیگر به هیچ وجه خصوصی بودن یا دولتی بودن مالکیت آن ها نیست. دلایلی مانند سیاست غلط و بی لیاقتی و سوء مدیریت نیز که این روزها مثل نقل و نبات در پاره ای محافل و در میان کارگران بسیاری از کارخانه ها به عنوان علت های تعطیل کارخانه ها و بیکارسازی های وسیع توده های کارگر مطرح میشود، اظهار نظرها و استدلال های سنجیده ای نیستند. کدام سوء مدیریت؟ کدام سیاست غلط و کدام بی لیاقتی؟ هر سرمایه داری برای استثمار توده های کارگر، برای افزایش هر چه بیشتر تولید و برای توسعه هر چه بیشتر انباشت

سرمایه، از کردانی ها و مدیریت های خاص خود برخوردار است و بسیار خوب هم برخوردار است. ارجاع علت تعطیل کارخانه و اخراج گسترده کارگران به سوء مدیریت و بی کفایتی کارفرمایان راستش یک روایت ناآگاهانه و یک برداشت وارونه از واقعیت هایی است که جریان دارد. استنباط این چینی از علل بیکارسازی ها بیشتر طرز فکر و نوع نگاه بخش هایی از حکومت کنندگان و نمایندگان سیاسی و فکری نظام سرمایه داری است که در جدال با رقبای خود سراغ کارگران می آیند و تلاش می کنند تا با طرح این موضوعات توده های کارگر را در باتلاق توهم فرو کنند، مبارزه کارگران را به کجراه بکشانند و قدرت پیکار آن ها را وسیله تسویه حساب های درونی با رقبای خویش سازند. مالکان و مسئولان کارخانه های در حال تعطیل به خاطر سوء مدیریت و بی کفایتی نیست که کارخانه ها را تعطیل می کنند و کارگران را بیکار می سازند. کاملاً برعکس. آن ها به کمک کردانی و تدبیر و مدیریت کارساز خود خیلی خوب متوجه شده اند که اگر سرمایه های خویش را به حوزه های دیگر منتقل کنند، اگر کارخانه موجود را تعطیل و در جای دیگری سرمایه گذاری کنند، سودهای بسیار کلان تری به چنگ می آورند. سرمایه به سود هر چه بیشتر می اندیشد و هر سرمایه داری تمامی زمین و آسمان را می کاود تا راه های سوداندوزی بیشتر سرمایه هایش و استثمار هر چه کشنده تر کارگران را پیدا کند و به اجرا بگذارد. این واقعیت همان قدر در مورد سرمایه دار خصوصی صادق است که در مورد سرمایه دار دولتی. بنابراین، به طور خلاصه، به نظر نمی رسد که پافشاری بر روی بی کفایتی مسئولان کارخانه و بدین سان طرح انتقال از دست سرمایه دار خصوصی به نهادهای دولتی مشکلی از مشکلات کارگران را حل کند. همان گونه که بالاتر گفتیم، نمونه های نیشکر هفت تپه و کاغذ پارس و لوله سازی خوزستان در این زمینه بسیار گویا هستند.

سؤال دومی که مطرح می شود این است که چرا کارگران همه اش به تعویض سرمایه دار می اندیشند؟ چرا فکر می کنند حتماً باید برای صاحبان سرمایه کار کنند و توسط سرمایه استثمار شوند؟ چرا در میان راه حل هایی که جستجو می کنند به خلع ید از سرمایه داران و اداره کارخانه توسط قدرت سازمان یافته شورایی خود نمی اندیشند؟ تردید و هراس یا حتی پرهیز کارگران از پیش کشیدن چنین طرحی تا حد زیادی مفهوم وقابل درک است. اما مشکل اساساً در وجود این تردیدها و هراس ها نیست. هرابتکار تازه و هر خیزش جدید در قلمرو مبارزه صدها محاسبه توأم با تردید و وا همه و تأمل همراه دارد. مسئله مهم تلاش خلاق و سنجیده و دسته جمعی و آگاهانه برای غلبه بر این تردیدها و هراس ها است. بی گمان، کارگران به محض مطرح شدن این راه حل به دنیایی از مشکلات عجیب و غریب فکر می کنند. چگونه و از کجا مواد اولیه تهیه کنیم؟ پول لازم برای خرید مصالح و نیازهای تولید را از کجا تأمین کنیم؟ چه تضمینی برای فروش محصولات تولید شده مان وجود دارد؟ از کجا معلوم که اداره تولید توسط خودمان پاسخگوی رفع نیازهای زندگی مان باشد؟ هجوم نیروهای سرکوب برای بیرون آوردن کارخانه از دست کارگران را چگونه دفع کنیم؟ و خیلی مسائل و پرسش های دیگر که طبعاً پشت سر هم ردیف خواهد شد و باید به همه آن ها اندیشید.

همه این مسائل واقعی هستند و تصرف و اداره کارخانه بدون داشتن پاسخ برای آن ها مسلماً کار درستی نیست و هیچ نتیجه مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. آن چه اساسی است این است که به نظر ما گشودن همه این گره ها و غلبه بر تمامی این مشکلات امکان پذیر است. در این راستا، یک نقطه قوت بسیار مهم وجود دارد: سیر مبارزات کارگران شرایطی را پدید آورده است که حتی دولت سرمایه داری صرف سرکوب جنبش کارگران را سلاح کارساز برای غلبه بر این جنبش ندانسته است و راستش راه حل تعویض مدیریت کارخانه هم همان گونه که بالاتر اشاره کردیم بیش از

آن که یک راه چاره سنجیده کارگری باشد راه حلی است که از سوی این جناح و آن جناح قدرت سرمایه و نمایندگان خانه کارگری و نوع شوراهای اسلامی آن ها مطرح شده است. آخرین خبرها حاکی است که همین نهادهای دولتی و ایادی کارگری آن ها در تلاشند تا به نوعی میان دولت و کارگران پل بندند و عده ای از کارگران را زیر نام نمایندگان آن ها در مالکیت و اداره کارخانه در آینده با خود همراه کنند. مدیر کل صندوق تأمین اجتماعی در گفتگو با خبرنگار یکی از روزنامه های دولتی گفته است که کارگران ۵ نفر را انتخاب کنند تا در صورت توافق رئیس جمهوری با انتقال مالکیت کارخانه به دولت، در اداره امور شرکت با نهادهای دولتی همکاری کنند. این توطئه هم اکنون در دست تدارک و اجراست و بر اساس همان گزارشات، کارگران با هشپاری آن را غیرقابل قبول اعلام کرده اند. هدف این توطئه بسیار روشن است. آن ها می خواهند از میان کارگران عده ای را با خود همراه سازند و کاری کنند که تمامی مصائب و بدبختی هایی که هم امروز توسط سرمایه بر توده کارگر تحمیل شده است در روزهای بعد زیر نام خود کارگران و نمایندگان آن ها بر کارگران تحمیل شود. نکته مهم مورد نظر ما در این جا، علاوه بر افشای این ترفند سیاه ضدکارگری، این است که کارگران به یمن مبارزات تا کنونی خویش، برای تصرف کارخانه به هیچ وجه در نقطه صفر قرار ندارند. آنان در روند پیکار طولانی خود به جایی رسیده اند که تعیین تکلیف اداره کارخانه به موضوع واقعی جدال آن ها با دولت سرمایه تبدیل شده است. وقتی که نهادهای دولتی خود را مجبور به این نوع تغییر و تحولات و دسیسه پرداری ها دیده اند و می بینند، بسیار طبیعی است که کارگران پا پیش نهند و اعلام دارند که کارخانه مال ماست و هیچ نیرویی جز ما حق تصرف و شایستگی اداره آن را ندارد.

مسئله بعدی آمادگی لازم برای برنامه ریزی تولید است. کارگران به اندازه کافی در این زمینه تجربه دارند و برای به کارگیری عملی این تجارب باید در سریع ترین زمان دست به کار تشکیل شورای خویش شوند. سرمایه داران و دولت آن ها می کوشند که عده ای را زیر نام نمایندگان کارگران ابزار دست پیشبرد سیاست های خود کنند و آنان را در تشدید هر چه بیشتر استثمار و سیه روزی های کارگران با خود شریک کنند. کارگران باید در مقابل، ضمن مردود دانستن هر نوع انتقال کارخانه به دولت، از هر شکل جایگزینی اختیار و نقش و اعمال قدرت جمعی خود با این یا آن نهاد صنفی و سندیکالیستی سخت مقابله کنند. تشکیل شورای کارگری و دخالت آحاد کارگران در همه امور و همه سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها تنها شیوه درست کار است. تعمق در این زمینه به طور واقعی یک مسئله حیاتی جنبش کارگری و از جمله کارگران لاستیک البرز در همین شرایط حساس روز است. تردیدی نیست ما اینجا و آن جا مجبوریم به افرادی از میان خود مأموریت ها و مسئولیت هایی را محول کنیم. اما واگذاری اختیارات و نقش و قدرت خویش به شورای اسلامی یا انجمن صنفی یا سندیکا یا تعدادی نماینده و مانند این ها عملاً به معنای خط کشیدن بر روی قدرت مبارزه جمعی خود و هموارسازی راه برای به شکست کشاندن این قدرت است. در فردای انجام چنین کارگری دیگر ما توده های وسیع کارگر نیستیم که تصمیم می گیریم و برنامه ریزی می کنیم بلکه دیگرانند که اراده و سیاست های خود را بر ما تحمیل می کنند و آنان به طور معمول همان سیاست ها و طرح ها و برنامه هایی را بر ما تحمیل خواهند کرد که خواست سرمایه، صلاحدید سودآوری هر چه بیشتر سرمایه و لازمه تشدید هر چه هولناک تر استثمار ما توسط سرمایه است. به همه این دلایل، ما باید هر چه سریع تر شورای کارگری خویش را به وجود آوریم، دخالت همه کارگران در همه امور را خواستار شویم، توان دخالتگری آحاد کارگران را در کارها تقویت کنیم و همین شورا

را ظرف تصرف شرکت و برنامه ریزی کار و تولید کارخانه کنیم.

تهیه مواد خام و وسایل کمکی و نیازهای چرخه تولید نیز یک موضوع بسیار مهم و حیاتی پیش روی ما است. این بخش از کار شاید از همه امور دیگر سخت تر و غیر عملی تر به نظر رسد. بدون شک این کار بسیار سخت است. اما به هیچ وجه نشدنی و غیر ممکن نیست. تهیه مواد اولیه و مصالح کار مستلزم پول است و دولت سرمایه داری میلیون ها برابر این پول را از محل استنثار ما و توده های طبقه مادر دست دارد. شرط لازم پیشبرد کار در اینجا اعمال قدرت و مجبور ساختن دولت به تهیه کاملاً رایگان نیازهای روند کار و تولید است. ما تا همین امروز با مبارزات خود دولت را مجبور کرده ایم که برای تعیین تکلیف وضعیت کارخانه وارد مذاکره شود. درست به همین دلیل با تشدید مبارزات خویش قادر خواهیم بود دولت سرمایه داری را به تأمین مواد اولیه به صورت رایگان برای خود مجبور سازیم. یک پیش شرط مهم برای دستیابی به این موفقیت رجوع به توده وسیع همزنجیران کارگردرسایر کارخانه ها و مراکز مختلف کار و تولید است. به هر اندازه که آنان در این مبارزه بیشتر از ما پشتیبانی کنند، به همان اندازه هم شانس پیروزی ما بیشتر خواهد شد. گامهای بعدی به توزیع محصولات تولید شده و سایر امور اداره کارخانه بر میگردد که هیچ کدام مسائل غیر قابل حلی نیستند.

همزنجیران!

ما در ادامه مبارزات خویش به نقطه حساسی رسیده ایم. تحلیل و شناخت و درک درست وضعیت حاضر در سرنوشت مبارزات و زندگی ما حائز اهمیت بسیار است. کاری نکنیم که حاصل کل مبارزات مان بر باد رود. انتقال مالکیت کارخانه از سرمایه دار خصوصی به دولت علاج هیچ دردی نیست. تمام معضلات و بدبختی ها و فقر و فلاکت و سیه روزی ما از وجود سرمایه است نه از شکل مالکیت و نوع مدیریت سرمایه داران. بیایید راه حل تعویض مدیریت را با راه حل سنجیده و موفق تصرف کارخانه جایگزین کنیم. بیایید تمام تلاش لازم برای تدارک تصرف کارخانه و اداره پیروزمند آن توسط خویش را به عمل آوریم. بیایید شورای کارگری خویش را تشکیل دهیم و به سینه هر نوع پیشنهاد انجمن صنفی بازی و سندیکا سازی و مانند این ها دست رد بکوبیم. بیایید از تریبون شورای ضد سرمایه داری خود به همه کارگران کارخانه های در حال تعطیل پیام دهیم که آنان نیز کارخانه های خود را تصرف کنند. آنان نیز شوراهای کارگری خود را بر پای دارند و آنان نیز با شورای خویش برنامه ریزی کار و تولید را به دست گیرند. بیایید از تریبون نیرومند شوراهای کارگری خود خطاب به همه کارگران شاغل کارخانه ها اعلام کنیم که از مبارزات ما حمایت کنند و به جنبش شورایی و ضد سرمایه داری ما بپیوندند. بیایید با برنامه ریزی این کارزار جبری طبقاتی دست به کار سازمانیابی سراسری شورایی خویش در سراسر ایران شویم. بیایید با قدرت لایزال توده های طبقه خود جنبشی قدرتمند را سازمان دهیم و در گام نخست مطالبات پایه ای خود را بر نظام سرمایه داری تحمیل کنیم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در معرض تعطیل را به تصرف خود درآوریم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۵ مهر ۸۷

www.hamaahangi.com
hamaahangi@gmail.com